

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۷۷-۱۸۵

نقدی بر مقاله «دهستان یثرب/مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قرائن سده‌های

نخست هجری»

مصطفی معلمی^۱

استادیار دانشگاه علوم پزشکی، مازندران، ایران

آنچه در ادامه خواهد آمد تأملات و تبیین‌هایی درباره مقاله «دهستان یثرب/مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قرائن سده‌های نخست هجری» است که در نیمسال‌نامه تاریخ و تمدن اسلامی (سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۳-۲۱) به چاپ رسیده است. مقاله یادشده بررغم تازگی‌اش در انتخاب موضوع و تلاش ستودنی نویسنده محترم آن در بازشناسی مدینه‌النبی(ص) در روزگار بنای اولیه دارای ضعف‌های جدی در وجوه متعدد از جمله ارجاعات و استنادات است. فرضیه نویسنده نیز سده‌ها پیش از نویسنده در متون متعدد کهن مطرح شده است و نمی‌توان آن را نوآوری و یا تحلیلی تازه از آن نویسنده معاصر تلقی کرد؛ اما بنیادی‌ترین نارسایی مقاله بی‌توجهی به وجه تمدن‌سازانه اقدام پیامبر(ص) در تغییر نام یثرب و اصرار ناموجه نویسنده بر تداوم بخشی به هویت روستایی مکان زندگی پیامبر(ص) بررغم «مدینه» خوانی محل مهاجرت ایشان(ص) از سوی قرآن کریم است.

برای حفظ امانت و این‌که خوانندگان محترم به بهترین وجه سخن نویسنده مقاله را در نظر داشته باشند تا اشکالات آن را دریابند، تلاش شده در هر مورد نخست عباراتی از مقاله عیناً آورده شود و سپس تأملات و تبیین‌های لازم ارائه گردد.

نویسنده در چکیده آورده است: «مسجد پیامبر در مرکز شهر، وجود بارو و دروازه در پیرامون آن و هم‌چنین ترجمه واژه مدینه به "شهر" این تلقی را ایجاد کرده که مدینه‌النبی

۱. رایانامه: moallemi@mazums.ac.ir

شهر بوده است.^۲ از جمله فوق برمی‌آید گویا ترجمه مدینه به «شهر» نادرست بوده است و می‌بایست واژه دیگری برای آن به کار گرفته می‌شد و حال آن‌که نویسنده نیز تا پایان مقاله معادل دیگری برای «مدینه» ارائه نکرده است.

در مقدمه چنین آمده است: «مدینه بازسازی شده عصر پیامبر از سوی تاریخ‌دانان تصویری شهر گونه از مدینه ارائه کرده است؛ شهری که پیامبر بسان بسیاری از نام‌های دیگری که تغییر داد، آن را مدینه خواند».^۳ در این جا به دو نویسنده از قرن چهارم و هفتم هجری استناد کرده است. در ادامه نیز آمده: «در این تصویر روستاهایی هم در اطراف شهر مدینه در نظر گرفته شده است. گویی پیامبر در حرکت از قبا به سمت مدینه، او از روستای قبا وارد شهر مدینه شده است. در لشکرکشی‌های پیامبر علیه بنی قریظه و بنی نضیر نیز همین تلقی پدید می‌آید؛ گویی پیامبر از شهر مدینه به یکی از روستاهای پیرامونی آن لشکر کشیده است^۴ و برای این مطلب به واقدی (د. ۲۰۷هـ) ارجاع داده است. تقدّم و تأخّر در این عبارت به گونه‌ای است که نویسنده برای تثبیت یک مطلب به منابعی از سده‌های چهارم و هفتم استناد کرده آن‌گاه مطلبی دیگر را که در سده دوم و سوم هجری نوشته شده مبتنی بر آن دانسته و این از قبیل تقدم معلول بر علت است.

نویسنده در ادامه نوشته است: ذهنیت روستاهای پیرامون شهر مدینه ناخواسته بر دیگر نگاشته‌های اسلامی تأثیر نهاده است؛ به عنوان نمونه این روایت که «پیامبر احکامی را به روستاهای انصار ابلاغ کرد» در منابع متقدم دیگر به صورت «پیامبر احکامی را به روستاهای انصار که اطراف مدینه بودند، ابلاغ کرد» تغییر یافته است.^۵ برای عبارت نخست که فاقد «اطراف مدینه» است به ابن راهویه (د. ۲۳۸هـ)، ابن حنبل (د. ۲۴۱هـ) و بخاری

۲. اسماعیلی، (۱۳۹۷) ۳.

۳. همان، ۴.

۴. همانجا.

۵. همانجا.

(د. ۲۵۶هـ) ارجاع داده است و برای عبارت حاوی «اطراف مدینه» به منابعی پس از منابع یاد شده استناد کرده تا ادعای خویش (تغییر در سده‌های بعد) را اثبات نماید، از جمله مسلم (د. ۲۶۱هـ)؛ ابن خزیمه (د. ۳۱۱هـ)؛ ابن حبان (د. ۳۵۴هـ) و ... و حال آن‌که ابن حنبل (د. ۲۴۱هـ) همان روایت را با عبارت «حول المدینه» نیز آورده است.^۶ بنابراین ادعای نویسنده مبنی بر تغییر و یا ایجاد ذهنیت در گذر ایام با استناداتی که آورده، اثبات نمی‌شود. نویسنده در تبیین محور اصلی بحث نوشته است: «شواهد موجود پژوهشگر را در برابر چند گزینه قرار می‌دهد؛ نخست آن‌که مدعی شود همه این طوایف در روستاهایی کوچک، مشابه و متقارب زندگی می‌کرده‌اند و یثرب مجموعه‌ای از روستاها بوده است. بر اساس گزینه‌ای دیگر، در این منطقه شهری به نام یثرب وجود داشته که تنها برخی طوایف خزرچی در آن زندگی می‌کردند و دیگر خزرجیان و عموم اوسیان و یهودیان در روستاهای پیرامونی مدینه سکونت داشتند و گزینه آخر آن که گفته شود یثرب شهری بوده است که سکونت‌گاه‌های پراکنده‌ای را که کیلومترها باهم فاصله داشته‌اند، در بر می‌گرفته است».^۷ وی در ادامه گزینه نخست را، مبتنی بر مطالب پیشگفته‌اش، پذیرفته است. نویسنده برای توجیه انتخاب خویش عبارت «روستاهای یثرب» را مطرح نموده و ادعا نموده در منابع کهن به این عبارت تصریح شده است؛ اما در ادامه همین ادعا تعبیر «قری الانصار» را پیش کشیده و پی‌درپی آن را با روستاهای یثرب یکی دانسته است. مراجعه به ارجاعات نویسنده نشان می‌دهد هیچ منبعی عبارت «قری یثرب» ندارد و تمام ارجاعات «قری الانصار» دارد.^۸ جای تعجب است که نویسنده ادعای «تصریح» کرده، ولی نتوانسته یک ارجاع ارایه دهد که در آن تعبیر «قری یثرب» آمده باشد. در مهم‌ترین بخش مقاله آمده است: منشأ اصلی «محلّه» تلقی کردن

۶. ابن حنبل، ۳۶۰/۶.

۷. اسماعیلی، (۱۳۹۷) ۱۰.

۸. صنعانی، ۲۶۱/۱۱.

«سکونت‌گاه‌های انصار» نخستین بار از ترجمه آزاد گزارش ابن اسحاق (د. ۱۵۱هـ) از مسیر مهاجرت پیامبر به مدینه ناشی شده است.^۹ نویسنده یک منبع معاصر را منشأ اصلی معرفی کرده است و بنابراین انتظار نمی‌رود هیچ منبع دیگر تلقی محله بودن را مطرح کرده باشد. با این حال ابن کثیر (د. ۷۷۴هـ) هریک از سکونت‌گاه‌های انصار را «محله مستقل» خوانده است.^{۱۰}

در جایی از مقاله نوشته شده: ذهبی از معدود مورخانی است که تصور درست تری از یثرب پیش از اسلام دارد. او در تاریخ الاسلام گفته است که «در آن هنگام [عصر پیامبر] هنوز یثرب شهر نشده بود و روستاهایی پراکنده بود».^{۱۱} نویسنده به الاعلاق النفیسه نیز در اثبات این معنا استناد کرده است. قابل ذکر است که ابن حزم (د. ۴۵۶هـ) سه سده پیش از ذهبی (د. ۷۴۸هـ) نوشته است که پیامبر (ص) آن زمان که به «مدینه» آمد، مدینه روستاهای کوچک جدا از هم بوده است.^{۱۲} طرفه آن که ابن رسته (زنده به سال ۲۹۰هـ) یثرب را امّ القری این روستاها خوانده است.^{۱۳} سخن ابن رسته آن‌چه را نویسنده مقاله در صدد اثباتش بوده، یعنی یثرب مجموعه‌ای از روستاها بوده است، از اساس مردود می‌شود.

مهم‌تر این‌که نتیجه مقاله با چکیده و روند کلی مقاله هم‌خوانی ندارد. در نتیجه آمده که: «ظهور سکونت‌گاهی به نام "شهر مدینه" در واقع پس از هجرت، در پیرامون "دار" بنی مالک بن النجار، یعنی اقامت‌گاه پیامبر (ص) و مسجد منسوب به او، به تدریج شکل گرفته و توسعه یافته و بعدها دو بارو گرد آن احداث شده است».^{۱۴} روند مقاله به گونه‌ای است که در آستانه ظهور اسلام و حتی در دوره حضور پیامبر (ص) در یثرب پذیرش چیزی به نام

۹. اسماعیلی، همان، ۶.

۱۰. ابن کثیر، ۲۴۸/۳.

۱۱. اسماعیلی، همان، ۱۴.

۱۲. ابن حزم، ۵۴/۵.

۱۳. کان یثرب امّ قری المدینة (ابن رسته، ۶۲).

۱۴. اسماعیلی، همان، ۱۷.

«شهر» فاقد توجیه کافی است و باید یثرب را روستاهایی در کنار یکدیگر دانست. بنابراین آنچه در نتیجه مقاله بیان شده نوعی سردرگمی از حیث زمان شهر شدن مدینه را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نیز بوی تردید نویسنده در قبول و یا ردّ شهریت از آن استشمام می‌شود.

نویسنده مقاله دیگری از خویش را به عنوان تنها پژوهش قابل اعتنا در زمینه اثبات روستایی بودن بافت مدینه النبی (ص) معرفی نموده است. به این مناسبت باید اشاره نمود که نویسنده در آن مقاله ادعای نموده که «نام "مدینه منوره" در منابع متقدم اعم از منابع جغرافیاینگارانه و متأخر به کار نرفته است، به نظر می‌رسد کاربرد این نام به دوره معاصر باز می‌گردد».^{۱۵} این ادعا با جست‌وجو در منابع متقدم رنگ می‌بازد؛ زیرا برخلاف ادعای نویسنده تعبیر «مدینه منوره» در آن منابع مکرر دیده می‌شود.^{۱۶} نویسنده در بخش نتیجه از همان مقاله آورده است: یکی از روستاهای طایفه بنی نجار از قبیله خزرج با هجرت پیامبر اهمیت بیشتری یافت. این روستا سکونت‌گاه پیامبر بود و مسجد نبوی هم در کنار آن ساخته شد. علاوه بر این اداره امور حکومتی نیز در همین روستا صورت می‌گرفت.^{۱۷} در متن مقاله از بنونجار یاد نشده است پس چگونه می‌توان در نتیجه از چیزی سخن گفت که مسبوق به اشاره قبلی نبوده است؟

به نظر نگارنده این سطور، آنچه در مقاله کنونی مورد نقد، بیش از هر چیزی تعجب برانگیزتر است بی‌توجهی نویسنده مقاله به کاربرد واژه مدینه در قرآن در اشاره به یثرب است.^{۱۸} هم‌چنین نحوه انتخاب سکونت‌گاه و مسجد پیامبر (ص) که با امری خارق‌العاده

۱۵. اسماعیلی، (۱۳۹۳) ۴۰.

۱۶. واقدی، ۱۳/۱، ۶۷؛ مقاتل بن سلیمان، ۳/۳۴۸؛ واحدی، ۱/۱۵۴.

۱۷. اسماعیلی، همان، ۴۲.

۱۸. فارغ از قدسی بودن متن قرآن در نظر مسلمانان، هر نویسنده خردمندی باید بداند که این متن متعلق به سده صدر اسلام و زمان حیات پیامبر (ص) و مقارن با هفتم میلادی است، بنابراین حتی در صورت ناشناخته بودن مؤلف آن لااقل به عنوان سندی از سده هفتم میلادی می‌توان به آن استناد کرد.

همراه بوده^{۱۹} شایسته توجه و تحلیلی دقیق بوده که نویسنده از آن غفلت کرده است. قرآن کریم چهار بار از مدینه‌ای سخن گفته که سکونت‌گاه پیامبر (ص) بوده است.^{۲۰} آیا نویسنده مقاله از خود نپرسیده که چرا خداوند حکیم از سکونت‌گاه پیامبرش با نام مدینه یاد کرده است؟ نویسنده در هر دو مقاله خویش اصرار دارد تا مدینه را روستا دانسته و یثرب را نیز مجموعه‌ای از روستاها بداند. آیا خداوند تکریم‌ا و تشریف‌ا روستای زیستگاه پیامبر را «مدینه» نامیده است؟ تدبیر در موارد کاربرد واژه «مدینه»^{۲۱} در قرآن کریم نشان می‌دهد یثرب و مدینه دو نام برای یک چیز است. بنابراین چه یثرب را یکی از روستاها بدانیم و چه این‌که بگوییم مجموعه‌ای از روستاها یثرب نام داشته در هر صورت یثرب «مدینه» بوده است.

دقت و تعمق در اقدامات پیامبر (ص) در زیستگاه تازه‌اش به وضوح نشان می‌دهد که آن حضرت (ص) در حال جامعه‌سازی و پایه‌گذاری تمدنی نوین بوده است. تهیه پیمان‌نامه عمومی برای ساکنان زیستگاه جدید، تعریف نوع رابطه با یهودیان، برقراری پیمان برادری میان مهاجر و انصار و مهم‌تر از همه پی‌ریزی یک شهر جدید که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، همگی اجزای یک برنامه جامع تمدن‌ساز بوده است.

چرا باید زیستگاه پیامبر (ص) را شتری تعیین کند که از جانب خداوند ماموریت یافته بوده است؟^{۲۲} آیا صرفاً برای پرهیز از نزاع‌های طایفه‌ای چنین شده است؟ به نظر امری مهم‌تر باید دلیل این اتفاقات باشد. پیامبر (ص)، پس از اقامت در منزل ابویوب انصاری، بنی‌نجرار را فراخواند و از آنان خواست تا زمین‌هایی را به ایشان بفروشند. بنونجرار آن زمین‌ها

۱۹. نک. سطور بعد، ابن کثیر، ۲۴۸/۳.

۲۰. توبه، ۱۰۱، ۱۲۰؛ احزاب، ۶۰؛ منافقون، ۸.

۲۱. منظور مواردی است که مدینه مورد اشاره در قرآن درباره مدینه النبی است.

۲۲. ابن کثیر نوشته است: فاختر الله لرسول الله صلی الله علیه و سلم دار بنی مالک بن النجرار (ابن کثیر، ۲۴۸/۳).

را در راه خدا به ایشان هبه کردند. این زمین‌ها شامل قبرستانی کهنه، زمین کشاورزی، برکه آب^{۲۳} و نخلستان بود. دستور داده شد تا همه را برای ساخت مسجد،^{۲۴} خانه‌های پیامبر(ص) و اقامتگاه مهاجران بی خانمان آماده سازند. زمین دو کودک یتیم که تحت سرپرستی بنی نجار بودند نیز در میان همین زمین‌ها قرار داشت که بهای آن مستقلاً پرداخت شد. بنابراین باید پذیرفت که پیامبر(ص) با خرید زمین‌های نسبتاً وسیع بنیان شهری هرچند کوچک را پی‌ریزی نمود.^{۲۵}

درستی کاربرد واژه «مدینه» برای زیستگاه تازه پیامبر(ص) و سایر مهاجرین و انصار زمانی روشن می‌گردد که به فرهنگنامه واژگان عربی رجوع شود. خلیل بن احمد (د. ۱۷۰هـ) در بیان معنای واژه «مدینه» نوشته است: «كُلُّ اَرْضٍ يَبْنِي بِهَا حِصْنَ فِي اَصْطَمَّتْهَا فَهِيَ مَدِينَتُهَا».^{۲۶} پیامبر(ص) در سکونت‌گاه بنی نجار استقرار یافت و این سکونت‌گاه دارای حصنی(دژ) بوده که از عبارت خلیل برمی‌آید که تنها دژ خزرجیان پیش از هجرت پیامبر(ص) بوده است.^{۲۷} اقدامات پیامبر(ص) در سکونت‌گاه بنی نجار را که پیشینه چشم‌گیر در مواجهه با بنی امیه و مخالفین بنی هاشم در دوره جاهلی داشتند^{۲۸} باید در جهت پی‌ریزی جامعه جدید با مرکزیت شهری نو بنیاد ارزیابی کرد. چه یثرب نام سرزمینی با روستاهای متعدد نزدیک به یکدیگر بوده^{۲۹} و یا این که سکونت‌گاه بنونجار یثرب نام داشته

۲۳. ابن سعد، ۲۳۹/۱.

۲۴. نووی، ۷/۵.

۲۵. ابن سعد آشکارا از تخطیط (شهرسازی) مدینه در نخستین روزهای ورود پیامبر(ص) سخن گفته است (ابن سعد، ۱۵۲/۳).

۲۶. خلیل بن احمد، ۵۳/۸.

۲۷. خلیل بن احمد، ۴۶۳/۷.

۲۸. ابن حبیب، ۸۵؛ طبری، ۱۰/۲.

۲۹. واقدی نوشته است که ابو عبیده جراح در جنگ با رومیان نامه‌ای برای عمر بن خطاب نوشت و آن را به عبدالله بن قرط از دی داد تا به «مدینه یثرب» ببرد (واقدی، ۱۷۷/۱).

که پیامبر (ص) نامش را تغییر داد. به هر روی، مدینه به‌عنوان شهری تازه تأسیس به‌عنوان پایتخت مدنیت نوین اسلامی معرفی شد و خداوند نیز این بنیان را پذیرفت و مسلمانان نیز این پدیده نوظهور را پذیرفتند و به آن رسمیت دادند؛ ولی کفار، منافقین و یهودیان ترجیح می‌دادند مدنیت مدینه را به رسمیت نشناسند و هم‌چنان آن را یثرب بخوانند تا با نام‌گذاری جدید پیامبر (ص) مخالفت ورزیده و طعنه به روستایی بودنش بزنند.^{۳۰}

نویسنده محترم مقاله مورد بحث با در دست گرفتن تعریفی از مدینه^{۳۱} چنین پنداشته که تنهای الگوی شهرشناختی همین است و هر کجا که شهر خوانده می‌شود باید منطبق بر این الگو باشد و حال آن‌که الگو شهرشناختی یقیناً بسته به زمان و اقلیم متغیر است. امروزه شهرهای چند میلیونی با سازه‌های متنوع به همان نسبت شهر نامیده می‌شوند که شهرهای کوچک چند ده هزار نفری. نویسنده بی آن‌که روایی و اعتبار الگوی خویش را محک زده باشد آن را معیاری برای میزان مدنیت «مدینه» تلقی نموده است.

کتابشناسی

آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ.

ابن اثیر، مجدالدین بن محمد جزری، النهایة فی غریب الحدیث، تحقیق محمود محمد الطناحی و طاهر احمد الزاوی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.

ابن حبیب، المنمق فی اخبار قریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵هـ.

ابن حزم، علی بن احمد، المحلی بالآثار، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دارالفکر.

۳۰. بلاذری، ۲۷/۱؛ طوسی، ۳۲۳/۸؛ ابن اثیر، ۲۷۶/۱؛ آلوسی، ۱۵۷/۱۱.

۳۱. نظر نویسنده درباره شهر بودن را در این عبارات می‌توان دریافت: «از سوی دیگر ترسیم نقشه تاریخی یثرب با تکیه بر فرضیه شهر بودن آن مستلزم آن است که موقعیت شهر، بارو، دروازه‌ها، معابر اصلی از مرکز شهر تا دروازه‌ها، مناطق و محله‌های شهری و ساختمان‌های اصلی شهر از جمله مسجد مرکزی، مساجد محله، قصر حاکم یا دارالحکومه و فضاهای عمومی شهر مشخص باشند».

- ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دارصادر.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسة، بیروت، دارصادر، ۱۹۸۲م.
- ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
- ابن کثیر دمشقی، أبوالفداء إسماعیل، البداية و النهاية، تحقیق علی شیری، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ.
- اسماعیلی، مهران، «تحول‌های ساختاری در جغرافیای زیستی مدینه»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۲۱، ۱۳۹۳.
- همو، «دهستان یثرب/مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قرائن سده‌های نخست هجری»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- بلاذری، أحمد بن یحیی فتوح البلدان، تحقیق صلاح الدین منجد، قاهرة، مكتبة النهضة، ۱۹۷۵م.
- خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹هـ.
- صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنّف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، منشورات المجلس العلمی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳هـ.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۹هـ.
- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴هـ.
- واحدی، ابوالحسن، تفسیرالواحدی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۵هـ.
- واقدی، محمد بن عمر، فتوح الشام، بیروت، دارالجمیل.
- نوی، محیی‌الدین، صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷هـ.